

## نیم نگاهی به نسخه زیبای جهانگیر

حسن عاطفی\*

نسخه زیبای جهانگیر، تألیف مطربی سمرقندی، به کوشش اسماعیل بیگ جانوف و سیدعلی موجانی، قم، کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۷.

### چکیده

نسخه زیبای جهانگیر اثر مطربی سمرقندی (۹۹۶ - ۱۰۴۰ ه. ق) در معرفی شعرای سده دهم و نیمه نخست سده یازدهم سرزمینهای شرقی قلمرو زبان فارسی (ماوراءالنهر، افغانستان، شبه قاره) و شماری از شعرای ایرانی مقیم این سرزمینها، و ذکر برخی از وقایع تاریخی نواحی مذکور، در سال ۱۰۳۵ ه. ق به رشته تألیف درآمده است. مؤلف در سفر خود به هند، با گفته‌های جهانگیر پادشاه، کتاب خود را تکمیل و به وی اتحاف کرده است.

در چاپ این کتاب، اغلاط املائی، تحریف و تصحیف، کاستی و افزونی در ابیات، برخی توضیحات نادرست و نابسامانیهای دیگر قابل مشاهده است که در گفتار حاضر، مختصراً باز نموده شده است.

کلید واژه: نسخه زیبای جهانگیر، مطربی سمرقندی، جهانگیر شاه، شعر و ادب فارسی در ماوراءالنهر، افغانستان و شبه قاره.

نیم نگاهی به تأمل نگر نسخه زیبای جهانگیری است!  
نسخه زیبای جهانگیر که از آن به عنوان تاریخ جهانگیری یاد کرده‌اند، تألیفی است از

\*. کارشناسی ارشد ادبیات فارسی و مصحح متون ادبی.

سلطان محمد اصم سمرقندی معروف به مطربی (۹۹۶-۱۰۴۰ ه.ق) که در سال ۱۰۳۵ ه.ق به رشته تحریر درآمده و موضوع آن معرّفی شعرای سده دهم و نیمه اول قرن یازدهم سرزمینهای شرقی قلمرو زبان فارسی، یعنی ماوراءالنهر و افغانستان و شبه قاره هند و عده‌ای از شعرای ایرانی مقیم این دیار و ذکر برخی از وقایع تاریخی در این نواحی است که مؤلف در سفر خود (۱۰۳۵ ه.ق) به هند، با گفته‌های جهانگیر پادشاه آن را تکمیل و به وی تقدیم کرده است. و عنوان کتاب، همان ماده تاریخ آن: «نسخه زیبای جهانگیر» = ۱۰۳۵ ه.ق می‌باشد. این اثر حاوی اطلاعات اجتماعی مفیدی از روزگار مؤلف در سرزمینهای یاد شده است.

تصویری از نسخه موجود این کتاب در ازبکستان در اختیار آقای دکتر اسماعیل بیگ جانوف بوده، که پس از استنساخ با همکاری آقای سید علی موجانی آماده چاپ شود، ولی با توجه به مقدمه کتاب، آقای دکتر بیگ جانوف با مشغله جدیدی مواجه می‌شود، و این امر به وی فرصت نمی‌دهد که متن را برای نشر مهیا سازد. بنابراین آقای موجانی با کوشش «بازنویسی مجدد اثر را دنبال کرده... و توضیحاتی برای نسخه فراهم گردید». ولی وی نیز با چنین مشکلی روبرو می‌شود و در ادامه سخن در مقدمه کتاب می‌گوید: «...افسوس که ضیق وقت و حجم فراوان امور محوله که در حوزه‌ای دیگر است، مانع از دقت لازم برای انتشار چنین متنی است».

به هر حال با سپردن نسخه به مطبعه و طی مراحل، کتاب به بازار عرضه می‌شود. اما چگونه کتابی؟ کتابی که از آغاز تا انجام، صفحه‌ای عاری از عیب و نقص نتوان یافت. همه جا غلط املائی، تحریف و تصحیف، کاستی و افزونی در ابیات، برخی توضیحات نادرست و نابسامانی‌های دیگر. چه خوب بود اگر خواننده این گفتار، نسخه‌ای از این کتاب را در اختیار می‌داشت و خود افزون از آن می‌دید که ما می‌گوییم. باری «عیب می‌جمله بگفتی هنرش نیز بگوی». با اینکه در طبع کتاب دقت به عمل نیامده و مؤلف نیز مسامحاتی دارد، مع ذلک این متن گوشه‌هایی از تاریخ زبان و ادب پارسی را در خارج از ایران برای ما روشن می‌سازد، به طور کلی نشر این گونه آثار موجب آشنایی طبقه جوان و دانش پژوه کشور به مآثر و مفاخر دنیای اسلام به ویژه فرهنگ ایرانی است. امید است که در چاپهای بعدی اشکالات موجود برطرف گردد.

اشکالات کتاب افزون از سی صفحه (هر صفحه حدود سی سطر) بود که با توجه به صفحات محدود مجله، مختصر گردید.

آغاز متن: صفحه ۱۳ - س ۶: بیک [= به یک] سریع السیر حیات - غ، بیک سریع السیر حیات (صح).

ص: ۱۳ - س ۱۱ - ۱۲:

بتعد عن الأوطان... و سافر... اربع فوائد

... .. و صحة جسم و صحة ماجد

بتعد (غ)، تبعد (ص) - صحة ماجد (غ)، صحة ماجد (صح).

این قطعه در دیوان منسوب به علی - علیه السلام - بدین شکل ضبط شده است:

تَغْرَبُ عَنِ الْأَوْطَانِ فِي طَلَبِ الْعُلَى  
وَسَافِرُ فَفِي الْأَسْفَارِ خَمْسُ فَوَائِدِ  
تَفَرِّجُ هَمًّا وَاکْتِسَابُ مَعِيشَةٍ  
وَعِلْمٌ وَ آدَابٌ وَ صُحْبَةُ مَاجِدِ

(ص ۲۷ - جاب بمبئی - ۱۳۱۰ ه. ق.)

ص: ۱۳ - پاورقی سطر ۱: سورة قرآن کریم (غ)، سورة نسا قرآن کریم (صح).

ص: ۱۴ س ۱۸ (بیت دوّم قطعه):

مطربی به التماس فاتحه دارد دارد از دوستان راه گذر (غ)

صورت درست بیت:

مطربی التماس فاتحه‌ای دارد از دوستان راه‌گذر

ص: ۱۵ - پاورقی سطر آخر: در ترجمه... و تأخیر ماحقه التقدیم... و عقب انداختن

آنچه حق جلو رفته است؟ که باید چنین باشد: و عقب انداختن آنچه حق آن مقدم داشتن است.

ص: ۱۶ - س ۴ جمله «و در تاریخ تصنیف و نام تألیف، تاریخ:» در تنظیم سطرها در

جای مصراع اول قطعه دو بیتی قرار گرفته و در نتیجه مصراع چهارم در وسط سطر ششم آمده است، باید چنین سطر آرایبی شود:

و در تاریخ تصنیف و نام تألیف، تاریخ:

بر نام جهانگیر شه چرخ حشم این نسخه دلگشا چو آمد به قلم

تاریخ تمامش خرد خورده (خرده) شناس زد «نسخه زیبای جهانگیر» رقم

۱۰۳۵ ه. ق.

ص: ۱۷ - س ۵:

اگر از فتنه آید کسی در پناه ندارد جز این کشور آرامگاه

اگر (غ)، گر (صح).

ص: ۲۴ - س ۳: «القدرة لله العظيمة لله» - غ، «القدرة لله، العظمة لله» صح

ص: ۲۴- س ۲۲ رباعی:

مردان خدا تیر نهان اندازند بی زحمت تیر و کمان اندازند (غ)  
 بی زحمت تیر و بی کمان اندازند (صح) .....

ص: ۲۶- س ۱۲- ۱۳- قطعه:

شاعر آن را عزیز باید دانست شعر سلمان نگر تازه از اوست  
 صورت درست:  
 که از ایشان بقا پذیرد نام  
 نام سلطان اویس در ایام

شاعران را عزیز باید داشت  
 شعر سلمان نگر که تازه از اوست

ص: ۲۶- س ۱۶: الله تحت العرش (غ)، لله تحت العرش (صح).

ص: ۲۷- س ۱- ۲: قطعه دویستی اکبر پادشاه که به صورت یک بیت آمده، باید بدین شکل اصلاح شود:

دوشنبه به کوی می فروشان پیمانۀ می به زر خریدم  
 اکنون ز خممار سرگرانم زر دادم و درد سر خریدم  
 ص: ۲۷- س ۱۹: «اگر آن موزجی از نتایج آفتاب مثل این ظلّ ذوالجلال... نموده شود».

اگر انمودجی از... (صح).

ص: ۲۸- س ۱۱: «به هریک گل محنت صد خار می باید کشید» به هر (غ)، بهر (صح).

ص: ۲۸- س ۱- ۲: قطعه دو بیتی، یک بیت به حساب آمده، بدین شکل باید باشد:

سینه همچون شیشه نازک عشق همچون سنگ سخت  
 سنگ چون بر شیشه آید شیشه گردد لخت لخت

ص: ۲۹- س ۱- ۲:

هرجا که بود شکسته دستش گیر (غ) بشنو که همین کاسه صدا خواهد کرد  
 هرجا که بود شکسته ای... (صح).

ص: ۳۰- س ۲۲- ۲۱:

[۱۶ ب]: خوش دلم گردیده من شد سفید از انتظار

کز پی دیدار جانان دیده، دیده هم نامحرم است (غ)

قلّاب از مصراع اوّل باید جدا شود. «گردیده» شکل یک کلمه گرفته، فاصله میان دو کلمه باید کمی بیشتر باشد. در مصراع دوم «دیده» اوّل زائد است. صورت صحیح مصراع: کز پی دیدار جانان، دیده هم نامحرم است.

ص: ۳۱ - س ۱۳: مطلع قصیده فخریه فیضی:

شکر خدا که کیش بتان است آذرَم در مَلّت برهمن و در دین رهبرم  
ضبط مطربی درست نیست و در دیوان فیضی چنین است:

شکر خدا که عشق بتان است رهبرم در مَلّت برهمن و در دین آزرَم  
در همین صفحه - س ۱۵ (بیت دوّم قصیده دیگر) در مصراع اوّل: عرصه (غ)،  
عرصه‌ای (صح).

ص: ۳۲ - پاورقی سطر اوّل: ... ابوالفیض فیضی (متوفی ۶ محرم ۹۵۸ - مقتول در ۴ ربیع الاوّل ۱۰۱۱) - در حالی که سه سطر بالاتر در متن، وفات فیضی ۱۰۰۴ ذکر شده، متوقی (غ)، متولّد (صح).

این تولّد و وفات از شیخ ابوالفضل علامی، برادر کوچک فیضی است.  
ص: ۳۳ - س ۵: حافظم شیر معانی [۱۸ الف] داد از بستان درد، بستان (غ)، پستان (صح).

ص: ۳۳ س ۱۰: رفتم ای غم ز در عمر بشتابان رفتم، بشتابان (غ)، شتابان (صح).

ص ۳۵ - س ۳: در مصراع دوّم رباعی عرفی، «درویزه» (غ)، در یوزه (صح).  
صفحه ۳۵ تا ۳۷: نمونه‌ای از مسامحات مؤلف - مطربی در ترجمه حال محتشم کاشانی مطالبی آورده که درست نیست. مؤلف پس از ذکر تحصیل محتشم در کاشان و مولویت او چنین می‌گوید:

...چندگاه در کاشان به وضع نامرادی سلوک می‌کرده و شعر می‌گفته و لفظ مخفی را تخلّص ساخته و به همین تخلّص دیوان به اتمام رسانیده و من دیوان مخفی او را در دست «بیخودی»<sup>۱</sup> شاعر دیدم قریب به هشت هزار بیت بود. بعد از آن ترک وطن نموده به ولایت هندوستان آمده در مدح خوانین و اکابر قضاید گفته گذرانیده موصول به صله می‌گشته. روزی به یکی از خوانین قصیده‌ای گذرانیده، او در حقّ قابل مکابره کرده چیزی نداده، وعده کرده و بسیار دوانیده، روزی قطعه تقاضای برده به آن هم نشده. شخصی گفته که وعده ممدوح دیر شد. به وفا نه‌انجامید، محتشم در معذرت او گفته، -؟ قطعه:

بردم به نزد خان سخن‌دان قصیده‌ای  
 کز وعدهٔ صله سخن بر (صح: سخنی پر) فروغ گفت  
 گر قول او به فعل نیاید از آن چه باک  
 من هم دروغ گفتم و او هم دروغ گفت  
 .... محتشم بسیار پیر شده بود و به تخت روان تردد می‌کرده. چنین گویند  
 که در یکی از بلاد هندوستان وفات نموده و قبرش همانجاست و بعضی  
 می‌گویند که باز به خراسان در آخر حیات رفته همانجا مرده است. العلم  
 عندالله»<sup>۲</sup>.

ص: ۴۱ - س ۷: گشته تیغ تو (غ)، کشته تیغ تو (صح).

صف ۴۱ - س ۱۳: ملک قومی (غ)، ملک قمی (صح).

ص: ۴۲ - س ۴: رادل (غ)، راه دل (صح).

ص ۴۳ - سطر آخر: آینه (غ)، آینه (صح).

ص: ۴۴ - س ۱: میگردان نظاره مردم در آینه (غ)، می‌کرد آن نظاره... (صح).

ص: ۴۴: رباعی شکیبی بدین گونه باید اصلاح شود:

من کیستم، از عمر به تنگ آمده‌ای]

دیوانه با خرد به جنگ آمده‌ای]

دوشینه به کوی دوست از رشکم گشت (صح: گشت)

نالیدن پای دل به سنگ آمده‌ای]

ص: ۴۵ بیت:

عاشق به هرچه هست به معشوق پی برد

که صورت خوشست و گر هیئت گره (غ)

عاشق ز هرچه هست به معشوق پی برد

گر صورت خوش است و گر هیئت کریه (صح)

ص: ۵۰، س ۱۶: غم عشق تو پرورد بصد ناز مرا (غ)، غم عشق تو پرورد به صد ناز

مرا (صح).

ص: ۵۱ - س ۴: رخنه (غ)، رخنه‌ای (صح). ماده تاریخ قطعه «۱۰۱۴ ه.ق» می‌شود

که مشخص نشده است.

ص: ۵۱ - س ۲۰: کجاست اهل دلی تو بسوی هند رود (غ)، کجاست اهل دلی کو...

(صح).

ص: ۵۱ - سطر آخر: عشقیست و هزار گونه درد ای بی درد (غ)، عشق است و هزار... (صح).

ص: ۵۴ - س ۱۵ - ۱۶:

ای علوی شأن قدر تو چرخ بلند پست      بار شکوه قدر تو پشت فلک شکست  
بر صفحه قضا و قدر نقش بند غیب      مطبوع نزد نقش تو نقش دگر نه بست  
وزن مصراع اول بیت نخست مختل است. بدین شکل اصلاح می شود: ای با علو  
شأن تو چرخ بلند، پست. و صورت صحیح مصراع چهارم چنین است: مطبوع تر ز نقش  
تو نقش دگر نیست:

ص: ۵۸، س ۴:

یافتم می عید بارز دل چرا شد، تلخ کام      در ازل آشفته اش گویا به عالم گشت نام (غ)  
مصراع اول ظاهراً چنین اصلاح می شود: یافتم من عید، یار از دل چرا شد تلخ کام؟  
ص: ۷۰، س ۱۴:

تویی مقصود عالم که مبادا از سرت موی (غ)  
که عالم را طفیل یک سر موی تو می بینم  
تویی مقصود عالم، کم مبادا از سرت مویی (صح)

ص: ۷۷، س ۱۵ در بیت: آتش هجران مرا..... چشم (غ)، چشمم (صح).  
باز در همین صفحه، سطر ۱۹ مصراع: گر زبان مآیندیشد... (غ)، گر زبان ما  
نیندیشد... (صح).

ص: ۷۸ - س ۱ - ۲ بیت:

عشق است مسلمانی و این طرفه که  
مردم گویند که عاشق نشود هیچ مسلمان (غ)  
عشق است مسلمانی و این طرفه که مردم  
گویند که عاشق نشود هیچ مسلمان (صح)

ص: ۷۹ س ۱ - ۲:

عشقبازان همچون من محروم و مهجور از درت  
در حریم وصل تو اغیار مجرم همچنان  
همچون (غ)، همچو (صح)، مجرم (غ)، محرم (صح).

- و باز در این صفحه، سطر ۱۹: ای طره خم خم و گیسوی... (غ)، ای طره تو خم خم و گیسو.... (صح).
- ص: ۸۲ - ۱۷ - ۱۹: دل چون کند زلف کجست رشته امید (غ)، دل چون کند ز زلف.... (صح).
- ص: ۱۰۱، س ۱۸ مصراع: بکجایت جویم ای جان ز کی پرسمت کجایی (غ). صورت صحیح مصراع: به کجاست جویم ای جان، ز که پرسمت کجایی؟ ص: ۱۰۳، س ۲۱:
- بخانه که درو شوخ دلربای نیست      نمی‌رویم که آن خانه را صفای نیست (غ)  
ضبط صحیح بیت:
- به خانه‌ای که در او شوخ دلربایی نیست      نمی‌رویم، که آن خانه را صفایی نیست  
ص: ۱۰۵، س ۱ مصراع: ترا چو کاکل شبررنگ در قضا افتاد (غ)، ضبط درست: ترا چو کاکل شبررنگ در قفا افتاد.  
ص: ۱۱۰، س ۲ بیت:
- بی‌نشأ کوکنار کم ماتم نیست      هرکس که کند بزم کم از جایم نیست (غ)  
صورت درست:
- بی‌نشأ کوکنار کم ماتم نیست      هرکس که کند بزم، کم از حاتم نیست  
ص: ۱۱۲، سطر آخر بیت:
- آنکه فیض سحاب معدلت او      روی زمین دم ز بوستان ارم زد (غ)  
باید چنین باشد: آن که ز فیض....  
ص: ۱۱۳ - س ۲:
- خصم ز رشک هراوقات جلالش      خیمه هستی بدار ملک عدم زد (غ)  
خصم ز رشک سرادقات جلالش      خیمه هستی به دار ملک عدم زد (صح)  
ص: ۱۱۴، س ۳: چه کند حضر ندانم بحیات جاودانی (غ)، چه کند خضر ندانم به حیات جاودانی (صح).  
و در همین صفحه بیت:
- فقیری بس عجب بیخان و مانست      ندارد منزلی در دو عالم  
در مصراع دوم: در هر دو عالم، صحیح است.  
ص: ۱۱۷ - س ۲۰: ابن یمین فرلوندی طوسی (غ)، ابن یمین فریومدی، صحیح است.



صفحه ۱۱۸، سطر اول: در مصراع دوم بیت اول «ظل» (غ)، «ذل» (صح).

ص: ۱۱۸، س ۱۵ بیت:

مرد آزاده بود آنکه کند ترک میل دو کار تا وجودش همه سلامت باشد (غ)  
اگر مصراع اول بر این شکل باشد، کلمه «میل» اضافی است و صورت اصلاحی آن  
چنین می شود: «مرد آزاده بود آنکه کند ترک دو کار». و مصراع دوم: تا وجودش همه  
[عمر] سلامت باشد. این قطعه به این صورت هم نقل شده:

مرد آزاده به گیتی نکند میل دو کار تا همه عمر ز محنت به سلامت باشد  
زن نخواهد اگرش دختر قیصر بدهند وام نستاند اگر وعده قیامت باشد  
ص: ۱۲۹ - س ۶:

شهید خنجر محرومی آید با دا دلی که سوخته آتش محبت نیست (غ)  
شهید خنجر محرومی ابد با دا (صح).

ص: ۱۵۱ - س ۶: در مصراع دوم بیت مقلوب مستوی:

میرک مالک کلام، کریم مایل فیض تست صف لثیم  
صف (غ) و «ضیف» صحیح است. در مصراع دوم اگر شاعر به جای «لثیم» «لثام»  
می آورد، صنعت قلب کامل بود، ولی اشکال قافیه و عدم تناسب معنی واژه، مانع این کار  
بوده است. و مطربی نیز به مسامحه در این مصراع اشاره دارد و می گوید: «این ابیات از  
جمله مشکلات است، باید تجویز نمود».

ص: ۱۵۷ - س ۱۰: که صد آه سرکش پس بود میل مزار من (غ)، که صدها آه سرکش  
بس بود میل مزار من (صح).

ص: ۱۵۸ - س ۶: با افزودن «اگر»، مصراع اصلاح می شود: به چین طره لیلی [اگر]  
شمیم شوم.

ص: ۱۶۴ - س ۶ مصراع: خون خر طنبوره در پهلوی قانون سه تار (غ)، چون خر ...  
قانون و سه تار (صح).

ص: ۱۶۸ - س ۱۴ بیت:

دال بر صفر عیان کرده ز خط آن کیش یعنی از پیش مده مرتبه چشم شده پیش (غ)  
صورت صحیح بیت در تذکره الشعراء مطربی چنین است:

دال بر صفر عیان کرده ز خط آن بدکیش یعنی از پیش به ده مرتبه حُسنم شده پیش  
ص: ۱۸۳، س ۱۱ مصراع: از درون شو آشنا وز برون بیگانه وش (غ) باید چنین  
باشد: از درون سو آشنایی وز برون بیگانه وش، برون «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

فاعلن»، بحر رمل مثنیٰ محذوف .  
 ص ۱۸۸، س ۳: فهاه (غ)، فها م (صح).  
 ص ۱۸۸، س ۱۱: خورده دان (غ)، خرده دان (صح)، و در مصراع دوّم: ترنّف (ع)،  
 تزیف (صح)  
 ص: ۱۸۸، س ۱۷ مصراع دوّم: دلان (غ)، دل آن (صح)، فلک حساب (غ)، فلک  
 جناب (صح).  
 ص: ۱۸۸، س ۱۸: نسیم باده زان لب جو (غ)، نسیم باده از آن لب چو (صح).  
 مصراع دوم: سراب سراب (غ)، سراب، سراب (صح).  
 ص: ۱۸۸، س ۱۹: نگهت گلاب گلاب (غ)، نگهت گلاب، کلاب (صح)  
 ص ۱۸۸، س ۲۱: خوش آمد ز سروروانت سروانت (غ)، خوش آید ز سرو روانت،  
 روایت (صح).  
 ص: ۱۸۸، س ۲۲: جلوه کتابت کتابت (غ)، جلوه کنانت، کتابت (صح).  
 ص: ۱۸۸، س ۲۳: آتش (غ)، آتشی (صح)، عنایت عنایت (غ)، عنایت عنایت  
 (صح).  
 ص: ۱۸۹، س ۱: درایت درایت (غ)، درآنت درایت (صح).  
 ص: ۱۸۹، س ۲: حمایت حمایت (غ)، چمانت حمایت (صح).  
 باز در همین صفحه، س ۳: شکایت شکایت (غ)، از سگانت شکایت (صح).  
 ص: ۱۸۹، س ۴ بیت:  
 درون دل را ز فرهاد مسکین      ندارد ز داغ نهایت نهایت (غ)  
 صورت درست بیت:  
 درون دل زار «فرهاد» مسکین      نباشد به داغ نهانت نهایت (صح)  
 ص: ۲۰۷ = مصراع: این زخمهای کهنه من ز مرهم گذشته است (غ)، صورت درست:  
 این زخمهای کهنه ز مرهم ...  
 ص: ۲۱۳ = ۱۶ - مصراع: آنچنان رسوا عالم عشقم کرد کین زمان (غ)، آنچنان  
 رسوای عالم کرد عشقم، کین زمان (صح).  
 ص: ۲۲۴، س ۶ - ۷ بیت دوّم رباعی دریای کهک:  
 صد بحر اگر واسطه گردد لب      تشنه بحر عشق را نیست حجاب (غ)  
 کلمه‌ای از آخر مصراع اول افتاده و «لب» به این مصراع انتقال یافته، که بدین شکل  
 باید اصلاح شود:

صد بحر اگر واسطه گردد [به یقین] لب تشنه بحر عشق را نیست حجاب  
 صفحه ۲۲۴ رباعی بعدی که بدین شکل ضبط شده:  
 صد شکر ز دهیید باین سینه کباب آمد سخنی خوب تر از آب زلال  
 در خوش آب.....  
 یعنی که دریای حقیقت رشحی برگفته من چکید و گردید جواب  
 «آب زلال» به بیت اول الحاقی است و به جای «در خوشاب» آمده و مصراع سوّم  
 رباعی نیز اشکال دارد.

صورت صحیح رباعی:

صد شکر ز ده یید به این سینه کباب آمد سخنی خوب تر از در خوشاب  
 یعنی که [ز] دریای حقیقت رشحی برگرفته من چکید و گردید جواب  
 ص: ۲۲۸، س ۱۰ قطعه دو بیتی به شکل یک بیت ضبط شده است.  
 ص: ۲۳۵ - س ۱۰: آنچه در غم گذرد میندار آنرا (غ)، آنچه در غم گذرد [عمر]  
 میندار آن را (صح).

ص: ۲۳۶ - س ۱۶: چون قدم ساخته سر بره عشق روم (غ)، چون قدم ساخته سر بر  
 ره عشق [تو] روم (صح).

ص: ۲۳۸ - س ۳: چو عشق یاد همه یار و کس آگه نیست (غ)، به عشق یار همه  
 یارم و کس آگه نیست (صح).

در بیت بعد این غزل «نگهت» (غ)، و «نکھت» (ص) است. بیت سوّم، مصراع دوّم:  
 «به بین که دلبر گلزارم و کس آگه نیست» (غ)، و بدین شکل اصلاح می شود: «بین که  
 در بر گلزارم و کس آگه نیست».

بیت چهارم غزل:

چگونه شکر [۱۷۱ الف] نگویم بکوی از غم یار

بیالّه پر می دل دارم و کس آگه نیست

که باید چنین باشد:

چگونه شکر نگویم؟ بکوی از غم یار بیالّه پر می دل دارم و کس آگه نیست  
 ص: ۲۴۱، س ۲۰ مصراع: کز خاک بر گلی که دمید شن شراره شد (غ)، کز خاک هر  
 گلی که دمیدش، شراره شد (صح).

ص: ۲۴۵ - س ۴ - ۳: از اول مصراع دوّم رباعی ملاّ عرشی: «به سخن جوهر انسان  
 شده است» کلمه ای با دو هجای بلند افتاده است، که احتمالاً چنین بوده: [گویی] به

سخن جوهر... و در مصراع چهارم رباعی «سهی» غلط، و صحیح آن «سیهی» است.  
ص: ۲۴۷ س ۹-۱۰ بیت:

با یار نکو از چه به ما تلخ مزاجی هرچند که مردود نه اینقدری پرس (غ)  
باید چنین شود:

با یار بگواز چه به ما تلخ مزاجی؟

هرچند که مردود نه [ام] (یا: توأم) اینقدری پرس

باز در آخر این صفحه:

دل گویی و لخت لحنش از دیده کشی جان خوانی و تارتارش از تن به بری (غ)  
صورت درست:

دل گویی و لخت لختش از دیده کشی جان خوانی و تارتارش از تن ببری  
ص: ۲۵۰- س ۱۷ بیت:

فضایل مآبی صدرالدین که او را گلی گلستان ارم می توان گفت (غ)  
صورت درست:

فضایل مآبی [چو] صدرالدین که او را گل گلستان ارم می توان گفت  
ص: ۲۶۰- س ۱۹ مصراع: نمی دانیم این از کوری ما بود هادی (غ)، نمی دانیم این از  
کوری ما بود [یا] هادی (صح).

ص: ۲۶۳- س ۲-۱ بیت:

این که در مزرع ویران گریبان منست

بخیه نامستش و تخمی است چاک آرد بار (غ)

ضبط درست:

این که در مزرع ویران گریبان من است

بخیه نام استش و تخمی ست [که] چاک آرد بار

باز در همین صفحه، مصراع:

مکن ای عندلیب از ناله حبیب خود پاره (غ)

مکن ای عندلیب از ناله جیب خود پاره (صح)

ص: ۲۸۰- س ۱۴ مصراع:

نیشکر از راستی او نیش یافت (غ)، صورت درست:

نیشکر از راستی اش نوش یافت گل ز کجی خار در آغوش یافت

ص: ۲۹۱، س ۱۲: در بیت:

چشم عاشق مثال دریائی است که نیابند خلق پایانش  
پایانش (غلط)، پایابش (صحیح).

ص: ۲۹۷- س ۱۳: بعلم بن باعورا در تپه (غ)، بعلم بن باعورا در تپه (صح).

ص: ۳۱۶- س ۱: خفته کان خاک یکسر گشته تیغ تواند (غ)، خفتگان خاک یکسر  
گشته تیغ تواند (صح).

ص: ۳۱۹- س ۹ اینها که دروده جویی بستانند (غ)، اینها که دروده‌ای جوی نستانند  
(صح).

ص: ۳۲۱- س ۱۳:

ترسم بکعبه مقصود و بگذرم از دست این شتاب که در طینت من است  
از مصراع اول کلمه‌ای افتاده است که بدین گونه اصلاح می‌شود: ترسم [رسم] به کعبه  
مقصود و بگذرم، یا: ترسم [ندیده] کعبه مقصود، بگذرم....

ص: ۳۲۵، س ۱۰: بخاک مشفق آدم دوستان گذرند (غ)، به خاک مشفق آن دم که  
دوستان گذرند (صح).

ص: ۳۲۵، س ۱۷: بلند افتادن مرکب بلا انگیز می‌باشد (غ)، بلند افتادن مژگان...  
(صح).

ص: ۳۲۶، س ۱۲- ۱۱ بیت:

از خون لب شکوهام تر می‌شد از زوزن دیده خون دل بر می‌شد  
صورت درست بیت در کاروان هند چنین است:

از خون لب شکوهام اگر تر می‌شد از زوزن دیده، دود دل پر می‌شد  
ص: ۳۲۷- س ۱۰ مصراع: باز دل وصل چو مصلحت جان گذاشت (غ)، باز  
دل وصل جو مصلحت... (صح).

ص: ۳۲۷- س ۱۸- مصراع: ز برم بفرق خود چشانی که چه شد (غ)، زهرم به فراق  
خود.... (صح).

ص: ۳۲۸- س ۱۷: توکل بدامان یاران فکن... (غ)، تو گل به دامن یاران فکن (صح).

ص: ۳۳۰- س ۱۳ بیت:

آتشکده است دل ز جفای تو پرداغ مانند هندوی که نگهبان آتش است (غ)  
صورت صحیح بیت:

آتشکده‌ست دل ز جفای تو و در او داغ تو هندویی که نگهبان آتش است  
ص: ۳۳۱- س ۵. شبهی کاشی (غ)، تشبیهی کاشی (صح).

ص: ۳۳۴ - س ۱۹: «جرمی» عنوان شاعر آمده، ولی تخلص غزلش - صفحه بعد -  
«صبری» است. یکی از این دو تحریف دیگری است.

ص: ۳۳۶ - س ۱۱ - ۱۰ بیت:

بجای اشک از چشم دل افگار می بارد همه خون جگر زین ابر اتشبار می بارد (غ)  
چشم (صح)، و در مصراع دوم: آتشیبار (صح).

ص: ۳۳۷ - س ۹ - ۸ بیت:

گر دست ندهم که برویت نظر کنم باری دهان نهاده لب ت پر شکر کنم (غ)  
بدین گونه اصلاح می شود:  
گر دست ندهم که به رویت نظر کنم باری دهان به یاد لب ت پر شکر کنم

#### پی نوشت ها

۱. از شعرای سمرقند بوده، در بلخ متوفی گردید. (ص ۳۶ - پاورقی نسخه زیبای جهانگیر).
۲. کمال الدین محتشم کاشانی (متوفی ۹۹۶) از شعرای ایران که در هندوستان عمر گذران نمود. - نقل از پاورقی کتاب، توضیح العلم عند الله!! ص ۳۷.